

# تربیت دینی کودک

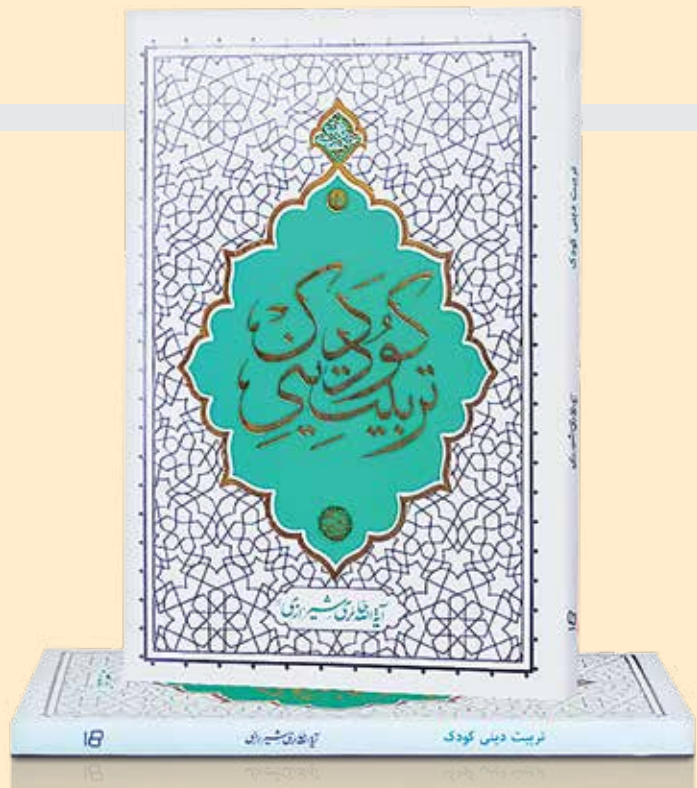
غرب را در نهایت به نفع بشر و موجب گشایش زمینه‌های معرفت بشری می‌داند، اما استفاده از محصولات اندیشه تمدن غرب در علوم انسانی را عامل ایجاد مشکلات می‌داند؛ زیرا تعریفی که اسلام از انسان ایده‌آل و هدف از خلقت آن ارائه می‌دهد، با تعریف آن‌ها از انسان متفاوت است. با این اوصاف، امکان بهره‌مندی از دستاوردهای اندیشه مدرن برای رسیدن به انسان ایده‌آل غیرممکن است. به همین دلیل، نقطه محوری در تمام مباحث کتاب، رویکرد انسان‌شناسی اسلامی و نظریه فطرت است که از آن به منزله «زیربنا و شالوده تربیت» یاد شده است؛ چرا که در مسائل تربیتی، تنها اندیشه‌ای راهگشا خواهد بود که منطبق بر حقیقت انسانی و براساس واقعیت باشد.

از جمله نکات بدیع در آثار استاد حائری شیرازی می‌توان به دقت در انتخاب واژه‌ها و استفاده از تمثیلات جذاب در تبیین مطلب اشاره کرد. بیان در عین حال که از استحکام و عمق در معنا برخوردار است، با شیوایی و فارغ از پیچیدگی، مخاطب را با خود همراه می‌سازد. قبل از ارائه پاسخ، ایجاد مسئله می‌کند و چراغ فکر خواننده را می‌افروزد. به طوری که خواننده با ملاک‌هایی آشنا می‌شود، که براساس آن‌ها می‌تواند پاسخ مسائل تربیتی موقعیت‌های گوناگون خود را بیابد.

این کتاب در شش بخش با عنوان‌های «جهان‌بینی تربیتی»، «دین و تعلیم و تربیت»، «تربیت بر مبنای فطرت»، «عوامل تربیت»، «روش‌های سوء تربیتی» و «پرسش‌ها و پاسخ‌های تربیتی» تنظیم شده است. از جمله مباحث قابل توجه در این اثر می‌توان به مباحث استاد درباره اصلاح آرزو، نقش تربیتی کار، رابطه طبیعت و فطرت، فلسفه و شیوه‌های تشویق و تنبیه، نقش الگو در تربیت، و اهمیت استقلال

آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی از نادر متفکرانی است که با احاطه بر مبانی اندیشه اسلامی و مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی، در راه تولید علوم انسانی اسلامی گام‌های ارزشمندی برداشته است. در این میان، کتاب «تربیت دینی کودک» اولین جلد از مجموعه درس‌های تربیتی آیت‌الله حائری شیرازی است که با نگاهی نو، به محورهای اصلی تربیت اسلامی می‌پردازد. کتاب حاضر بازنویسی گفتارهای ایشان در بیش از ۷۰ جلسه «درس تربیت» با حضور دانشجویان علوم تربیتی است که می‌توان آن را مقدمه‌ای بر تربیت اسلامی دانست. «تربیت دینی کودک» را دفتر نشر معارف در ۲۲۰ صفحه به چاپ رسانده است. این کتاب ضمن بیان بنیادهای تربیت اسلامی، دیدگاه‌هایی عملی در مسائل و آسیب‌های تربیتی را دربردارد که در دورانی مواجهه با انباشتی از تألیفات تربیتی اندیشمندان غربی، شایسته تحسین است؛ بنابراین، هریک از عنوان‌ها می‌تواند راهنمایی برای پژوهش‌های نوین در حوزه تعلیم و تربیت باشد.

ضرورت گفت‌وگو در این مسئله، چنانچه مؤلف در مقدمه اثر بیان داشته، آن است که تعلیم و تربیت پاسدار فرهنگ اسلامی و بستر تمام برنامه‌های جامعه است و در صورت درستی، زمینه اصلاح سایر برنامه‌های تمدن اسلامی خواهد شد؛ چرا که در جنگ فرهنگی، اگر تعلیم و تربیت به صورت صحیح انجام نشود، انسان‌ها به جای آنکه مغلوب یا اسیر شوند، تغییر سمت می‌دهند و عوض اینکه سرباز و افسر دوست باشند، سرباز و افسر دشمن می‌شوند. با اصلاح روش تعلیم و تربیت، علما و دانشمندانی ظهور خواهند کرد که عالم به واسطه آن‌ها اصلاح خواهد شد. نویسنده اگرچه تحقیقات و تعلیمات



رشد فطرت در کودک می‌شود. اگر کودک، از آغاز طفولیت، همگام با طبیعت رشد نکند و طبیعت او بسوزد، فطرت نمی‌تواند از میانه آن جوانه بزند.»

● «تربیت باید از اصلاح ارادهٔ متربی برای انتخاب آرزو آغاز شود. اصلاح آرزو، شروع کار تربیت دینی است. اگر قرار باشد انقلابی در جوانان صورت گیرد، انقلاب در آرزوی آن‌هاست. انقلاب فرهنگی و زیربنایی در انسان، دگرگون شدن نوع آرزوی انسان است. باید در آرزوی انسان بقا حاصل شود تا الله و رسول و دار آخرت را بخواهد. این تربیت است.»

● «اینکه دانش‌آموز فقط درس بخواند، مثل این است که در استخری با عمق یک متر شنا کند. درست است که خطر ندارد، اما شنا کردن در آن عمق، هنری هم نیست. وقتی دانش‌آموز به‌عنوان سخنران و مدرس و... وارد اجتماع شود، درست است که امکان غرق شدن و از راه به در شدن دارد، اما مهم این است که در عمق زیاد شنا کند و اگر سالم بماند، هنرمند است. باید پله‌پله عمق محل شنا را افزایش داد تا شخص بتواند وارد جامعه شود و مشکل خود را حل کند و به تناسب زمان و مکان و اوضاع، روی پای خود بایستد.»

● «در تربیت، باید از فرزند یا شاگرد فاصله گرفت تا شکوفا شود. نصیحت، موعظه، قصه، قهر، آشتی و... همه‌شان فاصله گرفتن‌های لازم از کودک است. الزام، فشار، حیا، خجالت دادن و... کار را مصنوعی می‌کند و با پیدایش کوچک‌ترین راه فرار، دوباره سر جای اولش برمی‌گردد. انسان باید با پای خودش برود، نه اینکه او را ببرند.»

● «مربی باید از راه‌های مناسب، به شاگرد، ملاک خوب و بد عمل را یاد بدهد. صحیح نیست برای کودک، مصادیق خوب و بد را مدام معین کند، زیرا مربی همیشه در کنار کودک نیست که این کار را برای او انجام دهد. مربی یا پدر و مادر، با پاسخ دادن به همهٔ پرسش‌های طفل، او را مقلد و عاجز بار می‌آورند؛ اما اگر به جای ده‌ها بار جواب دادن، ملاک حق و باطل یا راه یاد گرفتن پاسخ پرسش را به او بدهند، مسائل دیگر را خودش می‌شناسد و انتخاب می‌کند.»

و اعتبار پدر در ذهن طفل باید به نحوی برنامه‌ریزی شود که برای طفل اطاعت کردن از او روان و سهل باشد.»

● «تربیت فرزند مثل پرورش گل است. گل را آب می‌دهند و در نور می‌گذارند و همهٔ زمینه‌ها را برای شکفتن آن فراهم می‌کنند تا خودش باز شود. اگر انسان بخواهد با دستش به باز شدن گل کمک کند و به آن شکوفایی مصنوعی بدهد، آن را خراب می‌کند. امکان ندارد کسی ادعا کند حاضر است گلی را بدون آنکه خراب شود، باز کند! دخالت‌های زیاد والدین برای خوب شدن فرزند هم، اگر به حد شکوفایی مصنوعی برسد، همین‌طور می‌شود و کار را خراب می‌کند.»

● «تربیت مثل وضو و نماز است. کسی نمازش صحیح است که وضو داشته باشد. امام خمینی [رحمة الله علیه] مطالبش حق بود؛ مثل الفاظ نماز؛ اما با وضو هم بود؛ یعنی با صدق و اخلاص و صمیمیت سخن می‌گفت. از تعلیم و تربیت او استادهای صدیق و مخلصی برخاستند که رفتند و با آگاه کردن مردم، آن قیام بی‌نظیر را بر پا کردند. امام با اصلاح روش تعلیم و تربیت، علما، ملتی را زنده و آزاد کرد.»

● «همگامی با طبیعت در طفولیت باعث

شخصیت متربی اشاره کرد. خواندن این کتاب برای عموم والدین و مربیان جذاب و راهگشا خواهد بود. در ادامه، بخش‌هایی از آن را می‌آوریم:

● «پدر، مجری و واسطهٔ امر الهی در خانواده است. او از قِبَل خدای تعالی به کودکش نان می‌دهد. او از باب اینکه واسطهٔ بین خدا و طفل است، باید مواظب باشد کودک به رازق کنونی‌اش یعنی پدر، جسور نشود؛ زیرا در صورت جسارت، این خطر در آینده به وجود می‌آید که به رازق اصلی‌اش، یعنی خدا، جسور شود. در طفولیت، پدر باید چنان با کودک رفتار کند که دوست دارد فرزندش در آینده با خدا چنین کند. روایتی نقل شده است که این مطلب را با ظرافت بیان می‌کند. می‌فرماید: «وقتی به بچه وعده‌ای دادید، به آن وفا کنید.» چرا؟ چون در طفولیت در حد فکر و درک خودش، به جای خدا، پدر را رازق می‌داند. پدر اگر بتواند اعتماد فرزند را جلب کند، فرزندش را برای اعتماد به خدا آماده کرده است. کودک چون پدر را رازق می‌داند، خشیت و حرمت و جدی گرفتن پدر در این سن، خشیت و حرمت و جدی گرفتن خداست. پدر به امر خدا محترم می‌شود. پس سلب احترام از او هم سلب حرمت از خداست. شخصیت و ارزش